ادامه از صفحه اول

مرثیه لبنان

هریک از این شخصیت‌ها محاسبات خاص خود را برای شرایط پیچیده فعلی لبنان دارند و چنانچه هر وضعیتی متناسب با خواسته آنها نباشد، امکان برهم‌زدن روند بازی را در اختیار دارند. سعد حریری، رئیس «جریان آزاد»، از حدود پنج ماه قبل مأمور تشکیل کابینه شده است. اتفاقات پس از معادلات متعاقب انفجارات بندر بیروت، سعد حریری را وادار کرد مجددا داوطلبی خود را برای تشکیل کابینه ابراز کند. او یک سال قبل از آن از قبول این پست امتناع کرده بود و این در شرایطی بود که طایفه شیعه لبنان در آن مقطع شدیدا اصرار بر بازگشت او به نخست‌وزیری داشت. اینکه حریری چرا بعد از مدتی امتناع مجددا قبول کرد که نخست‌وزیر شود، به عوامل مختلفی مربوط می‌شود که در درجه اول دراختیارداشتن کلیت رهبری اهل سنت لبنان قرار دارد. ضمن آنکه ابتکار فرانسه پس از سفر آقای مکرون به لبنان که ظاهرا برای سروسامان‌دادن به اوضاع نابسامان لبنان و در واقع برای نجات مارونیت سیاسی این کشور انجام شده بود، فرصتی برای سعد حریری فراهم کرد تا مجددا تجدید حیات سیاسی خود را در دستور کار قرار دهد. حریری معتقد به تشکیل کابینه‌ای با ۱۸ عضو تکنوکرات بوده که در آن احزاب سیاسی امکان داشتن یک‌سوم اعضای کابینه را نداشته باشند، زیرا در این وضعیت فرصت مسدودکردن روند امور در دولت و کنترل تصمیم‌ها و تعلیق جلسات را می‌توانند مدیریت کنند.ملاحظه بعدی اینکه حریری مایل نیست تجربه قبلی در نخست‌وزیری خود را در همکاری با جبران باسیل که وزن سیاسی قابل توجهی دارد و به‌عنوان رئیس واقعی دولت می‌تواند عمل کند، تکرار کند.از طرفی حریری حسب وظیفه و به عنوان نخست‌وزیر می‌باید نقشه راه تشکیل کابینه را به رئیس‌جمهور ارائه دهد و آنگاه رئیس‌جمهور می‌تواند این نقشه راه را تأیید یا رد کند، ضمن آنکه مدعی است نقشه راه او براساس مطالبات جامعه بین‌المللی و به‌منظور آزادسازی روند کمک‌ها و اعتبارات به لبنان تهیه شده و می‌تواند همراهی همگانی را به دنبال داشته باشد. از ملاحظات کلیدی در تشکیل کابینه حریری توجه به این نکته ضروری است که او درخواست طایفه شیعه لبنان را برای انتخاب وزرای این طایفه پذیرفته است و به همین ترتیب با رئیس‌جمهور در واگذاری حق انتخاب نیز عمل کرده است. این سیاست و عملکرد حریری در شرایطی است که به دلیل عدم حمایت عربستان سعودی از سعد حریری به نظر نمی‌رسد او تعجیلی در تشکیل کابینه داشته باشد. ریاض بعد از جدایی حریری در سال ۲۰۱۷ از عربستان، به صراحت به نخست‌وزیر لبنان گفته است تا زمانی که از حزب‌الله فاصله نگرفته باشد نمی‌تواند روی حمایت ریاض حساب باز کند و این در حالی است که معادلات داخلی لبنان امکان تحقق چنین سیاستی را به حریری نمی‌دهد.شخصیت بعدی تأثیرگذار در روند تشکیل کابینه میشل عون یا صحیح‌تر آن «جناح عون- جبران باسیل» است که در شرایط فعلی در صحنه داخلی و خارجی لبنان به عنوان معارضین اصلی حریری در تشکیل کابینه محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه جبران باسیل به عنوان یک شخصیت سیاسی بسیار پیچیده در طایفه مسیحی لبنان رابطه مناسبی نیز با غرب و فرانسه ندارد و بر تمامی تصمیمات میشل عون رئیس‌جمهور نیز تأثیرگذار است، حریری اصولا آمادگی همکاری با چنین شخصیتی را ندارد؛ بنابراین نخست‌وزیر آتی لبنان بازگشت جبران باسیل به کابینه خود را غیرممکن می‌داند ضمن آنکه باسیل و رئیس‌جمهور خواهان یک‌سوم اعضای کابینه نیز هستند.حزب‌الله و نقش جریان مقاومت در تحولات داخلی لبنان دارای ملاحظات مخصوص به خود است. این حزب که به زعم اکثر بازیگران صحنه سیاسی لبنان از تمامی بازیگران داخلی این کشور قوی‌تر عمل می‌کند، به گمان معارضین خود بیش از همه جناح‌های لبنان، به یک دستور کار خارجی نیز وابستگی دارد. آشنایان با تحولات لبنان از منظر طایفه شیعه معتقدند که حزب‌الله در صحنه داخلی لبنان همواره دو ملاحظه را در دستور کار خود دارد که در درجه اول همواره به عنوان داور بین تمامی بازیگران صحنه سیاسی لبنان وارد عمل می‌شود، به گونه‌ای که هیچ‌یک از هم‌پیمانان یا شرکای این حزب در پایان بازی نه تضعیف شوند و نه پیروز از صحنه بیرون بیایند؛ به عبارت روشن‌تر حزب‌الله همواره به شکلی عمل می‌کند که همه طرف‌های درگیر به این برداشت برسند که در تصمیمات سیاسی آینده نقش دارند.همچنین گفته می‌شود حزب‌الله تا زمانی که یک توافق منطقه‌ای بین تهران- واشنگتن به دست نیامده باشد برای تشکیل دولت لبنان عجله‌ای ندارد، زیرا در صورت تحقق این توافق از موضع بهتری وارد بازی‌های منطقه‌ای و داخلی لبنان می‌شود.بخش دیگر نقش‌آفرینی‌های طایفه شیعه لبنان توسط رئیس مجلس این کشور ایفا می‌شود. نبی بری هم برای تشکیل کابینه اهداف خود را دنبال می‌کند که در درجه اول درصدد حفظ حق وتوی خود بر اصلاحاتی است که ممکن است به دلیل مشارکت او با سعد حریری، ولید جنبلاط و حزب‌الله رخ دهد و در ادامه مایل است به شکلی عمل کند که جریان «باسیل - عون» را که درصدد از بین بردن آن است، تضعیف کند. به همین دلیل نبی بری در منازعه حریری- عون برخلاف حزب‌الله، طرفدار سعد حریری است و همین امر باعث می‌شود که مواضع مخالف بری با حزب‌الله که هم‌پیمان میشل عون است به مرزهای خود نزدیک‌تر شود.

ا دامه در صفحه ۴

چهره‌های انتخاباتی با پشتوانه انقلابی

علی مطهری و فائزه هاشمی کاندیدا می‌شوند، سیدحسن خمینی و محسن هاشمی در تردید هستند

علی ایوبی: یک ماه دیگر، ثبت‌نام برای سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری در وزارت کشور آغاز خواهد شد و مانند دوره‌های گذشته شخصیت‌های سیاسی سرشناس و معروف تا چهره‌های معمولی بخت خود را برای رسیدن به صندلی ریاست دولت در میدات پاستور آماده می‌کنند. در میان این افراد هستند، کسانی که به‌واسطه رابطه نسبی با بزرگان انقلاب و سیاست‌مداران از چهره‌های سرشناس محسوب می‌شوند و این پتانسیل را دارند (یا در خود می‌بینند) که راه پدران خود را بروند و مسئولیتی را بپذیرند. در این گزارش به سه خانواده که از بزرگان و بنیان‌گذاران انقلاب اسلامی بودند، پرداخته شده که فرزندان آنان از جمله افرادی هستند که در دنیای سیاست دستی بر آتش دارند و نامشان برای حضور در کوران انتخابات ریاست‌جمهوری شنیده می‌شود. در این میان باید یادی کرد از مرحومه اعظم طالقانی، دختر مرحوم آیت‌الله طالقانی که اولین زنی بود که در سال ۷۶ نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شد و با وجود عدم احراز صلاحیت توسط شورای نگهبان و با وجود بیماری هرسال برای این پست ثبت‌نام کرد تا بحث «رجل سیاسی» را زنده نگه دارد. اعظم طالقانی در سال ۹۸ درگذشت و امسال جای او در محل نام‌نویسی در وزارت کشور خالی است.

امام خمینی(ره)

درحال‌حاضر در میان خانواده بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، سیدحسن خمینی نوه امام، سیاسی‌ترین شخصیت محسوب می‌شود. او که در آستانه ۵۰سالگی قرار دارد، فرزند مرحوم سیداحمد خمینی است و تولیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) و حرم ایشان را بعد از پدر بر عهده دارد. سیدحسن مانند پدر در هیچ گروه و حزبی قرار نگرفته و تقریبا هیچ فعالیت اجرائی نیز نداشته اما همیشه از حامیان اصلاحات بوده و از دولت حسن روحانی نیز حمایت کرده است. او البته در سال ۹۴ برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری ثبت‌نام کرد اما چون در امتحان اجتهاد شرکت نکرد، صلاحیتش از سوی شورای خبرگان احراز نشد.

برخی جریانات سیاسی سیدحسن خمینی را یکی از گزینه‌های اصلاح‌طلبان برای انتخابات می‌دانند، اما خودش هیچ‌گاه دراین‌باره به‌صورت شفاف حرفی نزده است. در آخرین موضع‌گیری‌ها، در میانه تعطیلات عید، جواد امام، دبیر کل مجمع ایثارگران، در گفت‌وگو با ایسنا گفت ما دو گزینه حداکثری داشتیم که سیدمحمد خاتمی پیشنهاد ما برای حضور در انتخابات را نپذیرفت و سیدحسن خمینی هم تاکنون امتناع دارد که وارد این عرصه شود. خودش نیز پیش از عید در گفت‌وگویی تلویحا گفته بود تمایلی به کاندیداتوری ندارد و به این مسئله فکر نکرده است.

بااین‌حال سیدحسن خمینی، در سخنرانی‌هایی اخیر خود درباره شرکت مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری بسیار می‌گوید. او چند روز پیش در حسینیه جماران گفته بود: «هیچ چیزی برای کشور واجب‌تر از یک انتخابات پرشور و شامل نیست که شرط اولش این است که بساط تنگ‌نظری حذف برداشته شود».

آیت‌الله مطهری

شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، از یاران نزدیک امام خمینی بود که بعد از انقلاب به ریاست شورای انقلاب منصوب شد، اما سه ماه بعد از پیروزی انقلاب در شب ۱۱ اردیبهشت سال ۵۸ به دست گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید. در میان فرزندان او، علی در میان مردم شناخته‌شده‌تر و البته سیاسی‌تر است. دکتر علی مطهری فلسفه خوانده، ۶۴ساله است و مسئولیت نشر و تألیفات پدر را بر عهده دارد. او در مجالس هشتم، نهم و دهم نماینده مردم تهران در پارلمان بود و در مجلس دهم به نایب‌رئیسی مجلس نیز رسید. مطهری طراح اصلی سؤال از محمود احمدی‌نژاد در مجلس نیز بود. او برای مجلس یازدهم نیز ثبت‌نام کرد اما رد صلاحیت شد. خواستگاه سیاسی علی مطهری اصولگرایی است اما برخی مواضعش درباره حصر و اعتراضات سال ۸۸، او را به اصلاح‌طلبان نزدیک کرده است تا جایی که در انتخابات چهار سال پیش مجلس در فهرست «ائتلاف فراگیر اصلاح‌طلبان: گام دوم» معروف به «لیست امید» قرار گرفت و به‌عنوان نفر دوم تهران به پارلمان راه یافت. علی مطهری، در هفتم اسفند سال گذشته رسما اعلام کرد برای انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد خواهد شد. او در یک نشست خبری اعلام کرد خود را برای اداره کشور اصلح می‌دانم و معتقدم برای ترغیب مردم به مشارکت هرکس این توانایی را در خود ببیند، باید برنامه خود را ارائه دهد. مطهری درباره اینکه احتمال دارد مانند انتخابات مجلس عدم احراز صلاحیت شود و آیا برای آن با شورای نگهبان رایزنی کرده، گفت که هیچ تلاشی برای رایزنی نکرده و دلیلی برای رد صلاحیت خود نمی‌بیند.

هرچند اصلاح‌طلبان مواضع سیاسی مطهری را تأیید می‌کنند، بااین‌حال مواضع اجتماعی و فرهنگی او با سلیقه هواداران اصلاح‌طلبی جور نیست. مطهری هفته گذشته در شبکه اجتماعی «کلاب‌هاوس» سخنانی گفت که بیشتر به درد رأی‌نیاوردن می‌خورد تا رئیس‌جمهورشدن. او گفته بود: «من حجاب را انتخاب نمی‌بینم و به آزادی در آن اعتقاد ندارم. من نیمه‌عریان‌بودن را آزادی انسانی نمی‌دانم و آن را آزادی حیوانی و غریزی تلقی می‌کنم». البته این را هم گفته بود که با بسیاری از سخت‌گیری‌ها و برخوردهای که با افراد بی‌حجاب می‌شود، مخالفم. بااین‌حال سخنان مطهری بازتاب زیادی پیدا کرد و او چندی بعد در گفت‌وگویی از اینکه تنها قسمتی از حرف‌هایش پخش شده، گلایه کرد و گفت جای تأسف دارد که از یک نشست دوساعت و ۴۵دقیقه‌ای فقط پنج دقیقه از یک بحث را منتشر می‌کنند. مطهری گفت من اصول و مبانی ثابتی برای خودم دارم و این مبانی را از شهید مطهری گرفتم. او همچنین پیشنهاد داد هم اصلاح‌طلبان در برخی مسائل فرهنگی باید اصولی‌تر فکر کنند و هم اصولگرایان در جریان آزادی بیان باید اصولی‌تر فکر کنند.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی

برای سلایق مختلف سیاسی کشور، بی‌شک شناخته‌شده‌ترین شخصیت در تمام ۴۰ سال بعد از پیروزی انقلاب، مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی است. عضویت در شورای انقلاب اسلامی، جانشین فرمانده کل قوا در جنگ ایران و عراق، ریاست مجلس، ریاست‌جمهوری، ریاست بر مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس مجلس خبرگان رهبری از او شخصیتی بی‌مانند در تاریخ انقلاب ساخته است. همه فرزندان مرحوم هاشمی‌رفسنجانی که در سال ۹۵ درگذشت، در میان مردم شناخته‌شده هستند؛ فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر. در میان آنان فائزه و محسن اهل سیاست هستند و احتمالا برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام خواهند کرد.

فائزه دختر کوچک آیت‌الله، ۵۹ سال دارد و به‌عنوان نفر دوم تهران در مجلس پنجم حضور داشت. گرایش سیاسی او اصلاح‌طلبی است و در اواخر سال ۹۵ به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد و به زندان رفت. پیش از شروع سال جدید خبرآنلاین نوشت که فائزه هاشمی‌رفسنجانی اعلام کرده در انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا خواهد شد. او گفته بود: «ازآنجایی‌که من سابقه زندان، پرونده و حکم دارم، قطعا ردصلاحیت می‌شوم. وقتی برای تدریس در دانشگاه با صدتا دانشجو تحملم نکردند، معلوم است وضعیتم در شورای نگهبان و به‌عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری به چه شکل است؛ اما ازآنجایی‌که اعتقادم به ثبت‌نام زنان در انتخابات است، اگر لازم باشد این کار را به‌صورت نمادین انجام خواهم داد، فقط برای ثبت‌نام و نه ادامه ماجرا چون با شرایط فعلی بنای ورود به انتخابات حتی برای رأی‌دادن را ندارم».

این احتمال وجود دارد که پسر بزرگ آیت‌الله یعنی محسن هاشمی نیز برای انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کند. محسن ۶۰ سال دارد و هم‌اکنون رئیس شورای شهر تهران است. او رئیس دفتر رئیس‌جمهور و رئیس دفتر بازرسی ویژه نهاد ریاست‌جمهوری در زمان ریاست‌جمهوری پدر بود و ۱۳ سال نیز مدیرعامل مترو تهران بود و چند باری تا شهردار تهران شدن نیز پیش رفت. محسن هاشمی، عضو حزب کارگزاران سازندگی است و یکی از گزینه‌های احتمالی این حزب برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری محسوب می‌شود. او برای شرکت در انتخابات دوره ششم شورای شهر ثبت‌نام نکرد و گفته امیدوار است برای کاندیداتوری ریاست‌جمهوری گول نخورد.

در میان بستگان مرحوم آیت‌الله هاشمی، محمد هاشمی برادر او نیز از مردان سیاست محسوب می‌شود که در دهه ۶۰ ریاست سازمان صداوسیما را بر عهده داشت و مدتی نیز عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. او چهار سال پیش در غیاب آیت‌الله برای انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۶ ثبت‌نام کرد، اما صلاحیتش احراز نشد. محمد هاشمی دلیل ثبت‌نام خود را توصیه مرحوم برادر و تصمیم جمعی خانواده هاشمی عنوان کرده بود.

بررسی احتمال استمرار سیاست ائتلافی از سوی اصلاح‌طلبان در گفت‌وگو با میرلوحی و گرامی‌مقدم

عبور از لاریجانی، بازگشت به اصلاح‌طلبی

مهرشاد ایمانی: اخیرا محمدعلی وکیلی گفته است که «اگر اصلاح‌طلبان روزی به این نتیجه برسند که حضور نتیجه‌بخش در انتخابات داشته باشند، حتما ائتلاف یک اصل خواهد بود. فکرکردن به عدم ائتلاف در چنین شرایطی موضوعیت ندارد. زیرا ائتلاف تنها راه نتیجه‌بخش است؛ مگر اینکه گروهی به حضور سمبلیک اعتقاد داشته باشند و بگویند حالا که جریان اصلاح‌طلب شانسی در نتیجه انتخابات ندارد، پس به‌صورت سمبلیک به شکل صددرصد اصلاح‌طلبانه در انتخابات حضور یابند و لزومی ندارد به سمت ائتلاف بروند». این نماینده پیشین مجلس نظر خود را درباره حمایت اصلاح‌طلبان از علی لاریجانی این‌گونه گفته است: «ممکن است آقای لاریجانی حاضر نباشند در این فضای پرریسک در انتخابات حضور یابند، زیرا ممکن است ائتلاف را هم نتیجه‌بخش ندانند... وقتی شرایط به گونه‌ای است که بدنه اصلاح‌طلبی حتی به دنبال انتخاب گزینه از میان اصولگرایان شناسنامه‌دار است، رفتن به سمت گزینه نیمه‌اصلاح‌طلب- نیمه‌اعتدالی مثل لاریجانی جواب روشنی دارد». این سخنان درحالی مطرح می‌شود که به باور بسیاری از اصلاح‌طلبان اولا در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان تنها در صورتی می‌توانند اقبال سرمایه اجتماعی خود را به میدان بکشانند که با هویت کاملا اصلاح‌طلبی وارد میدان شوند و ثانیا براساس مصوبه تشکیل نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان (جبهه اصلاحات ایران) که از سوی شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان به تصویب رسید، اصلاح‌طلبان در انتخاباتی آزاد، رقابتی در تراز قانون اساسی و با نامزد اصلاح‌طلب شرکت می‌کنند؛ ازاین‌رو به نظر می‌رسد که حمایت از نامزد غیراصلاح‌طلب خلاف مشی انتخاباتی اصلاح‌طلبان در این دوره از انتخابات باشد.

گرامی‌مقدم: با حمایت از لاریجانی، در برهمان پاشنه می‌چرخد

اسماعیل گرامی‌مقدم، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، سخنگوی حزب اعتماد ملی و از اعضای حقیقی نهاد اجماع‌ساز درباره اینکه چرا اصلاح‌طلبان نباید از نامزد ائتلافی حمایت کنند، به «شرق» گفت: «تکلیف این بحث که اصلاح‌طلبان به سمت ائتلاف بروند یا نه در نهاد اجماع‌ساز مشخص شده است و اینکه بازهم از ائتلاف سخن بگوییم یا نام افرادی مانند آقای لاریجانی را مطرح کنیم، اساسا موضوعیت ندارد. اصلاح‌طلبان در سال‌های اخیر به‌دلیل حمایت از آقای روحانی در دو انتخابات ۹۲ و ۹۶ و برای حمایت از لیست ائتلافی امید در انتخابات مجلس دهم هزینه‌های زیادی داده‌اند و همین موضوع باعث شده است که در این دوره ترجیح دهند از نامزد غیراصلاح‌طلب استفاده نکنند. آقای لاریجانی شخصیت قابل احترامی است و رفتارهای معتدلی در سیاست دارد اما او اصلاح‌طلب نیست و اگر قرار باشد از او حمایت شود، همان شرایطی بر اصلاح‌طلبان رقم می‌خورد که در این‌سال‌ها رقم خورده است و در بر همان پاشنه خواهد چرخید».

او ادامه داد: «اکنون اصلاح‌طلبان نامزدهای متعددی دارند که ثبت‌نام خواهند کرد و بررسی مصادیق انتخاباتی بعد از مشخص‌شدن نتیجه بررسی صلاحیت‌ها شروع می‌شود. به‌هیچ‌وجه پذیرفته نیست که اصلاح‌طلبان برای بار دیگر سرمایه اجتماعی خود را خرج یک نیروی غیراصلاح‌طلب ولو آقای لاریجانی کنند».

این فعال سیاسی درباره اینکه آیا شخصیتی مانند محمدجواد ظریف را می‌توان اصلاح‌طلب دانست و آیا احتمال و البته امکان حمایت از او مهیاست، تشریح کرد: «به‌هرحال آقای ظریف در جبهه اصولگرایی تعریف نمی‌شود؛ اگرچه نیروی حزبی هم نیست اما آقای لاریجانی کاملا اصولگراست و نمی‌توان این موضوع را انکار کرد. حالا یک عده از دوستان می‌گویند نامزدها باید حزبی و نه حتی جناحی باشند. این‌هم سخنی است و می‌توان بر آن تأمل کرد اما درحال‌حاضر تحزب به معنای دقیق خودش در کشور ما نهادینه نشده است».

او در پایان سخنان خود گفت: «اصلاح‌طلبان در این دوره از انتخابات از نامزد کاملا اصلاح‌طلب خود حمایت می‌کنند تا دیگر هزینه‌پرداز یک رئیس‌جمهور غیراصلاح‌طلب نباشند. نگاه نهاد اجماع‌ساز هم همین است و امیدواریم تا چندی بعد الگوی رسیدن به نامزد واحد را ارائه کنیم».

میرلوحی: اصلاح‌طلبان زینت‌المجالس انتخابات نیستند

محمود میرلوحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب هم درباره اینکه دیدگاه نهاد اجماع‌ساز درباره ادامه سیاست ائتلافی چیست، به «شرق» گفت: «واقعا انتظار است که دیگر هیچ بحثی از سوی فعالان سیاسی درباره اینکه باید با نامزد اصلاح‌طلب وارد انتخابات شد یا نامزد ائتلافی مطرح نشود، زیرا اسنادش موجود است که روش انتخاباتی نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان در این دوره از انتخابات ائتلاف نیست. سخنگوی این نهاد هم همین را گفته است. پیشنهاد شورای هماهنگی به آقای خاتمی برای تشکیل نهاد اجماع‌ساز مبتنی‌بر یک محور اصلی بود که باید از نامزد اصلاح‌طلب حمایت شود. این همان نتیجه‌ای است که اصلاح‌طلبان در شورای عالی سیاست‌گذاری در انتخابات مجلس یازدهم هم گرفتند و وقتی نامزدهای اصلاح‌طلب ردصلاحیت شدند، مقرر شد که لیستی ارائه نشود و اصلاح‌طلبان تن به لیست‌های ائتلافی ندادند. حالا هم این نتیجه گرفته شده است که باید صرفا با نامزد کاملا اصلاح‌طلب وارد انتخابات شد و تردید نکنید که از آقای لاریجانی یا دیگر نامزدهایی که پایگاه اصلاح‌طلبی ندارند، حمایت نمی‌شود و به بیانی دیگر لاریجانی همان نقشی را که روحانی در سال۹۲ برای اصلاح‌طلبان ایفا کرد، نخواهد داشت».

او ادامه داد: «واقعیت این است که باید نامزدی به مردم ارائه شود که هم اصلاح‌طلب باشد هم بتواند از گفتمان اصلاح‌طلبی دفاع کند تا مردم قانع به رأی‌دادن به او شوند».

این فعال سیاسی در پاسخ به این پرسش که اگر نیروهای شاخص اصلاح‌طلب ردصلاحیت شوند، چه باید کرد، بیان کرد: «برخی تصور می‌کنند که جریان اصلاحات باید به هر قیمتی در صحنه باقی بماند. خب این موضوع را نمی‌شود انکار کرد که اصلاح‌طلبان با سیاست انتخاباتی‌شان در سال۹۲ و ۹۶ صحنه سیاسی را تغییر دادند. جریان رقیب تصور می‌کرد با ردصلاحیت آیت‌الله هاشمی می‌تواند حضورش در قدرت را استمرار بخشد، اما اصلاح‌طلبان با یک تاکتیک مؤثر توانستند خیال‌های آنها را نقش برآب کنند و مانع استمرار تندروی در کشور شوند یا واقعا اصولگرایان در سال۹۶ خوب کار کردند و با اجماع سراسری بر نامزد خود توانستند ۱۶ میلیون رأی به دست آوردند که کار سنگینی بود، اما بازهم اصلاح‌طلبان پیروز میدان انتخابات شدند. اکنون هم برخی دوستان می‌گویند ما محصور تصمیمات شورای نگهبان هستیم و باید برای رفع این موضوع به سمت سیاست ائتلافی برویم اما غالب نیروهای اصلاح‌طلب باور دارند که اصلاح‌طلبان زینت‌المجالس انتخابات نیستند که برای پرشورکردن بیایند و درنهایت هم نامزد خود را نداشته باشند. ما امید داریم که شورای نگهبان بپذیرد انتخابات حداکثری مهم‌ترین موضوعی است که در یک انتخابات محقق می‌شود و برای تحقق این اصل بگذارد تا رقابت در بگیرد و مردم احساس کنند نماینده واقعی‌شان در عرصه انتخابات حضور دارد تا پای صندوق بیایند. مطمئن باشید که اگر حداقل، مشارکت ۵۰درصدی مطالبه همه دلسوزان است، این مهم زمانی میسر می‌شود که اصلاح‌طلبان امکان رقابت داشته باشند. این چه قاعده‌ای است که اصلاح‌طلبان سرمایه اجتماعی خود را به میدان بیاورند و از نامزدی حمایت کنند که می‌دانند هم برآمده از جناح‌شان نیست و هم احتمالا کارآمدی لازم را ندارد. در این شرایط صرفا هزینه تمام اقدامات یک دولت غیراصلاح‌طلب بر دوش اصلاح‌طلبان گذاشته می‌شود. اگر اصلاح‌طلبان بتوانند وارد انتخابات شوند و نامزدهای واقعی خود را داشته باشند، هرنتیجه‌ای به دست آید، آن را با کمال میل می‌پذیریم؛ حتی اگر همه مردم سراسر با رأی خود بگویند که یک دولت کاملا اصولگرا می‌خواهیم».

میرلوحی در پایان در پاسخ به پرسش دیگری مبنی‌بر اینکه آیا همچنان از سیاست سال ۹۲ و ۹۶ دفاع می‌کنید یا خیر، گفت: «حتما از سیاستی که در آن دو مقطع در پیش گرفتیم دفاع می‌کنم، زیرا کشور را از باتلاقی گسترده نجات دادیم و اجازه ندادیم همه‌چیز به ته دره سقوط کند. دولت اول آقای روحانی انصافا خوب عمل کرد؛ چه در حوزه برجام و چه در مهار تورم و گرانی. اصلاح‌طلبان هم در سال۹۶ از عملکرد دولت راضی بودند، اما اینکه در دوره دوم دولت، ترامپ از برجام خارج شد و تحریم‌های گسترده بر ایران وضع شد یا خود دولت هم خوب عمل نکرد، بحث دیگری است؛ بنابراین اصلاح‌طلبان در ۹۲ و ۹۶ تصمیم درستی گرفتند و منافع جناحی خود را فدای منافع ملی کردند و هزینه‌اش را هم دادند و اکنون حتی ناراضی هم نیستیم که چرا هزینه داده‌ایم، زیرا برای مردم و کشورمان متحمل هزینه شدیم، اما دیگر قرار نیست که تا ابد از یک سیاست پیروی کنیم. در مقطع کنونی برخلاف دو مقطع مذکور حضور در انتخابات با نامزد غیراصلاح‌طلب دیگر جواب نمی‌دهد و خواسته مردم هم چنین نیست. اکنون ما براساس نظرسنجی می‌گوییم که مردم از اصلاح‌طلبان چنین انتظاری ندارند؛ همان‌طور که در سال۹۲ هم براساس نظرسنجی‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدیم که باید از آقای روحانی حمایت کنیم؛ درحقیقت این‌طور نبود که آقای هاشمی و آقای خاتمی پشت در بسته با هم به نتیجه‌ای مشترک برسند و به اصلاح‌طلبان ابلاغ کنند؛ خیر، همه بحث می‌کردیم و براساس نظرسنجی‌های فراگیری که انجام شد، تصمیم گرفتیم. اکنون همین شیوه در دستور کار است و نظر مردم این است که اصلاح‌طلبان نباید با نامزد غیراصلاح‌طلب وارد انتخابات شوند».

روزنه

اقامه دعوی مجالس گذشته علیه احمدی‌نژاد و مجلس یازدهم علیه روحانی

● این دومین‌بار است که مجلس می‌خواهد پای یک رئیس‌جمهور مستقر را به دادگاه بکشد. بار پیشین مجلس‌های هشتم و نهم به ریاست لاریجانی از احمدی‌نژاد شکایت کرد و حالا مجلس یازدهم به ریاست قالیباف از روحانی. آن بار هم ماه‌های آخر دولت دهم بود و این بار هم ماه‌های آخر دولت یازدهم. حالا از آن زمان نزدیک به بیش از هشت سال می‌گذرد و پای رئیس سابق دولت حتی یک بار هم به قوه قضائیه باز نشد. موضوع هر دو شکایت هم یکی بود، تخطی رئیس‌جمهور از اجرای قانون. باید منتظر ماند و دید که آیا قوه قضائیه هم مشابه همان رفتار را با روحانی انجام خواهد داد یا نه. در یک نگاه کلی به نظر می‌رسد ماجرای شکایت نمایندگان مجلس از رؤسای پیشین و امروز دولت بیشتر از اینکه یک اقدام با پشتوانه حقوقی قانونی باشد، یک مانور سیاسی جناحی است. حتی اگر به واقع تخلفی هم رخ داده باشد، گویا قوه قضائیه یا فراتر از آن ساختار سیاسی، عزمی برای به‌دادگاه‌کشاندن رؤسای جمهوری به دادگاه چه در دوران خدمت و چه بعد از پایان ریاست‌جمهوری‌شان ندارد. حتی تمایل برای برقراری شکلی دادگاه با علم به تبرئه یا رد دادخواست هم وجود ندارد. بار قبل اگرچه اعلام شده بود که دادخواست شکوائیه برای احمدی‌نژاد ارسال شده و حتی زمان دادگاه هم مشخص شده بود، اما نه احمدی‌نژاد هیچ‌گاه به دادگاه رفت و نه قاضی و شکات پیگیر شکایات خود شدند. این در حالی بود که احمدی‌نژاد چند شاکی خصوصی دیگر هم داشت.

نمایندگان مجلس دیروز گزارش کمیسیون حقوق و قضائی مجلس درباره استنکاف از اجرای ماده یک قانون مدنی از سوی حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم، در اجرای ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس را بررسی کردند و نهایتا با ۱۹۰ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۵ نماینده حاضر در جلسه با ارجاع پرونده، استنکاف حسن روحانی از قانون را برای رسیدگی قوه قضائیه ارسال کردند.

در گزارش کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس عنوان شده است که با توجه به استعلامات انجام‌شده از معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، حسن روحانی، رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم، از زمان تصدی به پست ریاست‌جمهوری اسلامی ایران از امضا، صدور دستور انتشار و ابلاغ «۱۳» فقره قانون مصوب مجلس شورای اسلامی استنکاف کرده است. برساس ماده ۱ قانون مدنی، مصوبات مجلس شورای اسلامی به رئیس‌جمهور ابلاغ و رئیس‌جمهور باید ظرف پنج روز آن را امضا و به دولت ابلاغ نموده و دولت موظف است ظرف مدت ۴۸ ساعت آن را منتشر نماید. در صورت استنکاف رئیس‌جمهور از امضا یا ابلاغ به دولت در مهلت مقرر، دولت موظف است مصوبه یا نتیجه همه‌پرسی را پس از انقضای مدت مذکور ظرف ۴۸ ساعت منتشر نماید. این همان مشکلی بود که مجلس نهم در ماه‌های آخر عمر دولت دهم با محمود احمدی‌نژاد داشت و رئیس وقت مجلس رأسا اقدام به ابلاغ مصوبات می‌کرد.

مهر گزارش داده که با توجه به استعلامات انجام‌شده از معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور دولت‌های یازدهم و دوازدهم از زمان تصدی به پست ریاست‌جمهوری اسلامی ایران از امضای صدور دستور انتشار و ابلاغ سیزده (۱۳) فقره قانون مصوب مجلس استنکاف کرده است.

زنبیل شکایت از احمدی‌نژاد هنوز خالی است

سال ۹۱ خبرگزاری دولت با هدف اینکه اختلافات مجلس و دولت وقت را به دعوای شخصی علی لاریجانی و محمود احمدی‌نژاد ربط بدهد، نوشت که رئیس مجلس از رئیس دولت به قوه قضائیه شکایت کرده است؛ اما علی لاریجانی، نماینده قم و رئیس مجلس نهم، گفته بود شکایت مورد ادعا یا از طرف رئیس کمیسیون اصل ۹۰ یا براساس آیین‌نامه تخلفی از دولت که در مجلس به تصویب رسیده به دادگاه ارجاع داده شده است. پایگاه اینترنتی دولت وقت با انتشار خبری اعلام کرد که رئیس‌جمهور به‌دلیل شکایت کمیسیون اصل ۹۰ و علی لاریجانی همچنین فردی به نام یعقوب خلیل‌نژاد به دادگاه احضار شده است. خباز، نماینده مجلس هشتم هم گفته که آنها در مجلس هشتم هم شش پرونده را که تخلفات رسمی و محرز آقای احمدی‌نژاد بود، در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس مصوب شد و در صحن رأی‌گیری و به قوه قضائیه ارسال شد؛ اما به هیچ‌کدامشان رسیدگی نشد. او گفته که اگر قرار باشد که رسیدگی شود، ما از مجلس هشتم آنجا زنبیل گذاشته‌ایم. او گفته وقتی دیدیم مجلس هشتم جلوی تندتازی‌های احمدی‌نژاد را نمی‌گیرد، ۱۲ نفر از نمایندگان شکایت کردیم، یکی از آنها من بودم. ۱۰ ایراد رسمی از تخلفات احمدی‌نژاد گرفتیم و به کمیسیون اصل ۹۰ دادیم، کمیسیون اصل ۹۰ هم شکایت ما را بایگانی و رسیدگی نکرد. بعد از ۱۰ ماه که احمدی‌نژاد ۱۱ روز در خانه نشست و راجع به وزیر اطلاعات آن درگیری‌ها به وجود آمد، عین همان شکایت را اصولگرایان مطرح کردند و به کمیسیون اصل ۹۰ رفت که رسیدگی شود.

ادامه در صفحه ۲